

بازسازی معماری بهشت با تکیه بر آیات و روایات

محمدجواد سعیدی زاده^۱

چکیده

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم انسان از جسم و روح ترکیب یافته و پس از مرگ و برپایی قیامت نیز به حیات خود ادامه خواهد داد. بهشت و دوزخ دو جایگاهی هستند که برای زندگی ابدی انسان در نظر گرفته شده‌اند. پرسش این نوشتار آن است که با توجه به این نوع از حیات انسان، بناهای بهشتی چگونه است؟ هدف از این پژوهش آن است که با تکیه بر آیات و روایات و در حد امکان، به ترسیم و تبیینی دقیق از معماری بهشت دست یابد که این خود می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای باغ‌های ایرانی گردد. روش تحقیق این نوشتار توصیفی - تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. نتیجه‌ی این بررسی چنین نشان می‌دهد که بهشت به صورت باغ‌های متعددی است که می‌توان ویژگی‌های معماری آن را با توجه به خواست‌ها و نیازهای انسان از یک سو و ظرفیت‌های محیطی بهشت از دیگر سوی به دست آورد.

کلیدواژه

معماری، بهشت، معماری بهشت، آیات و روایات.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب، رشته هنر حکمت دینی؛ saeedizade@gmail.com

مقدمه ▀

بهشت در لغت به جایی خوش آب و هوا و فراخ نعمت و آراسته اطلاق می‌گردد که نیکوکاران پس از مرگ در آنجا مخلد خواهند بود (رک: معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۶۱۳). البته ریشه‌ی این واژه به لغت اوستایی و هیشْت (vahishta) (باز می‌گردد. و هیشْت خود یک صفت عالی است که به معنای «بهترین» می‌باشد. موصوف این صفت واژه‌ی انگهوه (anghu) به معنای هستی، زندگی و جهان بوده که در فارسی حذف گردیده است. در اوستا این موصوف و صفت، انگهوه و هیشْت، با یکدیگر بسیار به کار رفته که به معنای بهترین هستی و جهان می‌باشد (رک: پورداود، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۵۵ - ۵۶).

معادل عربی و قرآنی واژه‌ی بهشت، «جَنَّة» است که ریشه‌ی آن به ماده‌ی «جن» به معنای پوشیدگی باز می‌گردد. درباره‌ی سرنامگذاری بهشت به جنّه دو وجه گفته شده است: یکی این که شاخساران درختانش در هم فرورفته و برگ‌های فراوان آن‌ها مانند سقفی سبزرنگ زمین بهشت را می‌پوشانند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، الف، ج ۲، ص ۴۶۸) و دیگری بدین لحاظ که بسیاری از ویژگی‌های بهشت تا قبل از شهود عینی مستور بوده و مشهود نمی‌شود و پس از ورود به آن گرچه نسبت به خود شخص بهشتی از خفا به در می‌آید ولی برای غیر او که پائین‌تر از درجه وجودی اوست همچنان در استتار و احتجاب باقی می‌ماند (رک: همان، ص ۴۹۱). معماری، دیگر واژه‌ی است که در اینجا باید آن را توضیح داد. ریشه‌ی این واژه به ماده‌ی عمر به معنای تداوم حیات باز می‌گردد که در مقابل خرابی است (مصطفوی، ۱۴۳۰ ق، ج ۸،

ص: ۲۶۶). عمارت، از دیگر واژگان هم ریشه با معماری، به معنای آن است که به گونه‌ای در زمین تغییر ایجاد گردد که بتوان از فواید قابل انتظار آن بهره‌مند شد مثلاً از ساختمان خانه برای سکونت و از باغ برای برداشت میوه و تفریح و گردش استفاده نمود (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۱۰)؛ بنابراین، عمارت واژه‌ای عربی است که معادل معنای فارسی آن «آبادان کردن» می‌باشد. معمار دیگر واژه‌ی عربی مربوط به معماری، صیغه مبالغه اسم فاعل است که به معنای «آباد کننده» است (افندی، ۱۳۸۹، ص ۶۰ - ۶۱). اما خود واژه‌ی معماری در اصطلاح، به معنای دانشی است که از طریق آن یک معمار با توجه به خواست‌ها و نیازهای انسان از یک سو و با تکیه بر ظرفیت‌های محیطی آن از دیگر سوی، به تشخیص و یا ساخت بنایی مناسب دست می‌زند.

اکنون با این توضیحات، پرسش این نوشتار آن است که براساس آیات و روایات معماری بهشت به چه صورت است؟ به دیگر سخن، با توجه به خواست و نیازهای انسان در بهشت از یک سو و با تکیه بر ظرفیت‌های محیطی آن از دیگر سوی، بناهای بهشت چگونه است؟ از آنجا که دستیابی به پاسخ این پرسش از دامنه‌ی عقل خارج است سعی شد تا با تکیه بر آیات و روایات^۱ به این پرسش پاسخ داده شود.

اما درباره پیشینه‌ی این تحقیق باید گفت که تاکنون پژوهش جامع و مستقلی صورت نگرفته است. مهدی میرممتاز، اکرم السادات میرممتاز و فاطمه قلی پور (۱۳۹۰) در مقاله‌ی «معماری بهشت و معماری باغ ایرانی»، ابتدا آیات مربوط به معماری بهشت را ترجمه نموده و سپس به تطبیق میان این آیات و معماری باغ‌های ایرانی پرداخته‌اند. ماریان بروکند (۱۳۹۱) در مقاله «باغ به منزله‌ی تصویری از بهشت» دامنه تحقیق خود را گسترده‌تر کرده و در جستجوی ایجاد ارتباط میان باغ‌های جهان اسلام و توصیف‌های قرآن از بهشت برآمده است. از دیگر مقاله‌ها در این زمینه مقاله‌ی حسین کامیاب (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی سلسله مراتب بهشت‌های چهارگانه براساس قرآن و روایات» است که در صدد مشخص کردن جایگاه چهار بهشت نسبت به یکدیگر است.

۱. در این نوشتار از روایات اهل بیت علیهم‌السلام به منظور تفسیر آیات قرآن کریم و باهدف دستیابی به جزئیات معماری بهشت استفاده گردیده است. در این مقاله سعی شد که در حد امکان به منابع دست‌اول و معتبر کتب تفسیری و روایی شیعی ارجاع داده شود.

▲ نسبت معماری بهشت با انسان

از آیات قرآن کریم معلوم می‌گردد که انسان از جسم و روح^۱ ترکیب یافته و هدف نهایی از آفرینش وی رسیدن به تکامل و مقام خلیفه الهی^۲ است که البته این خود مقتضی حرکتی کمالی و روحی است که با انجام دستورات الهی و ترک محرمات تحقق می‌پذیرد. از طرفی، در قرآن هدف از خلقت مرگ و حیات^۳، تمایزگذاری میان انسان‌های خوب و بد عنوان شده تا مشخص گردد که چه کسی بهتر از دیگری عمل می‌کند. این امتحان و تمایزگذاری، خود مقصود بالذات نبوده بلکه به منظور هدف دیگری است که آن پاداش و کیفری است که بشر در جهانی دیگر با آن مواجه خواهد شد (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۳۴۹). از آنجا که دنیا قابلیت پاداش کامل صالحان و کیفر طالحن را ندارد حکمت حق متعال چنین ایجاب می‌کند که عالم دیگری برای بررسی اعمال و رفتار انسان‌ها وجود داشته باشد (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵، ب، ج ۵، ص ۱۸۹). البته همین پاداش و مجازات اعمال انسان در آخرت چیزی جز تجسم اعمال^۴ نیست. تجسم اعمال بدین معنی است که کردار و رفتار انسان در این دنیا از ظاهر و باطنی برخوردار بوده و آن باطن در عالم دیگر ظهورات مخصوص به خود را خواهد داشت همچنان که سید مرتضی در رساله محکم و متشابه از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود: هنگامی که شبانه به آسمان سیر داده شدم [یعنی در شب معراج] فرشتگانی را در بهشت دیدم که در دشت‌ها به گذاشتن یک خشت از طلا و یک خشت از نقره مشغول بودند و گاهی از کار باز می‌ایستادند. از ایشان پرسیدم که چرا دست می‌کشید؟ گفتند تا این که مصالح برسد. گفتم مصالح چیست؟ گفتند: گفتار مؤمن: «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر». هرگاه مؤمن این ذکر را بگوید، ما مشغول ساختن می‌شویم و هرگاه که ساکت شود ما از ساختن دست می‌کشیم (علم الهدی، ۱۳۶۳، ص ۸۳). از این روی، میان معماری بهشت و کردار انسان مؤمن ارتباط وثیقی برقرار است بدین صورت که اعمال و رفتار انسان مواد و مصالح بهشت را فراهم می‌آورند و فرشتگان به مثابه کارگران ساخت بنا محسوب می‌شوند.

۱. حجر/۲۸ و ۲۹.

۲. بقره/۲۰.

۳. ملک/۲.

۴. سبا/۳۳.

گفتنی است که به همان مقدار که انسان‌ها در اعمال و رفتار متفاوتند، بهشت نیز متفاوت خواهد بود همان‌گونه که امیرالمومنین علیه السلام در وصف بهشت می‌فرماید: «درجات متفاضلات و منازل متفاوتات» یعنی در بهشت درجاتی از یکدیگر برتر و منازل متفاوتی وجود دارد (شریف رضی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳) و یا در حدیثی امام صادق علیه السلام به ابوبصیر چنین می‌فرماید: نگو بهشت یکی است، بدرستی که خداوند می‌فرماید: «من دونهما جنتان» و نگو بهشت دارای یک درجه است، زیرا که خداوند می‌فرماید: «درجات» که بعضی بالاتر از بعضی دیگر است و این تفاوت به خاطر اعمال می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۱۸).

با این توضیحات معلوم گردید که بهشت به صورت باغ‌های متفاوتی بوده که به درجه وجودی افراد بستگی دارد بدین صورت که هرکس از درجه وجودی بالاتری برخوردار باشد از بهشت بهتری بهره‌مند خواهد گردید. بخش بعدی این نوشتار متکفل ترسیم دقیق نسبت میان مقام مؤمن و باغ‌های بهشت خواهد بود.

▲ طرح و نقشه‌ی کلی باغ‌های بهشت بر حسب جایگاه مؤمنین

در قرآن کریم از چهار بهشت جنة المأوی^۱، جنة النعیم^۲، جنة عدن^۳ و جنة الفردوس^۴ سخن به میان آمده و در روایت‌های متعددی نیز بر وجود این بهشت‌های چهارگانه تصریح شده است (رک: کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۱۰۰). از آیات قرآن کریم چنین معلوم می‌گردد که جنة المأوی مخصوص کسانی است که از ایمان و عمل صالح بهره‌مندند ولی افراد دارای ایمان، عمل صالح^۵، تقوا^۶، خلوص^۷، پیشگامان در ایمان و کارهای نیک و مقربین درگاه حق^۸

۱. سجده/۱۹.

۲. مائده/۶۵.

۳. توبه/۷۲.

۴. کهف/۱۰۷.

۵. یونس/۹.

۶. قلم/۳۴.

۷. صافات/۴۰.

۸. واقعه/۱۱ و ۱۰.

در جنة النعیم قرار دارند. جنۀ عدن، دیگر باغ بهشتی، متعلق به آن عباد الرحمن^۱ مؤمنی^۲ است که صالح^۳ و اهل تزکیه^۴ بوده و از خداوند متبارک و متعال می‌ترسند^۵. از برخی روایات روشن می‌گردد که بهشت عدن، با توجه به ساکنینی که در آن مقیم‌اند، از امتیاز ویژه‌ای نسبت به دو بهشت دیگر برخوردار است همچنان‌که در روایتی از نبی مکرم ﷺ آمده است که فرمود بهشت عدن خانه خداست که هیچ چشمی آن را ندیده و به قلب هیچ کس خطور نکرده و تنها سه کس در آن سکونت می‌کنند: پیامبران، صدیقان و شهیدان و خداوند عزوجل [خطاب به بهشت عدن] می‌فرماید خوشا به حال کسی که داخل تو گردد (همان، ج ۵، ص ۷۷). در اهمیت این بهشت همین بس که رسول الله ﷺ فرمود: نهال بهشت عدن را خداوند به دست خود کاشته است (ابن بابویه، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۶)؛ اما وارثان بهشت فردوس آن مؤمنانی خواهند بود که از این اوصاف برخوردار باشند: کسانی که در نمازشان خشوع دارند، از لغو و بیهودگی رویگردانند، زکات می‌دهند، دامن خود را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ می‌کنند، تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، امانت‌ها و عهد خود را مراعات می‌کنند و بر نمازها مواظبت می‌نمایند^۶. در برخی روایات چنین تصریح شده است که فردوس^۷ محلی است که پیامبر ﷺ و آل وی عَلَيْهِمُ السَّلَام در آنجا قرار دارند (رک: بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۶۸۸). در رابطه با نقشه کلی و نسبت میان این چهار بهشت به یکدیگر باید اذعان داشت که نوعی نظام سلسله مراتبی و طبقاتی حکمفرماست. این برداشت از مطالعه و تأمل بر مجموع روایات زیر بدست آمدنی است:

۱. امام محمد باقر عَلَيْهِمُ السَّلَام در تفسیر آیه ۶۲ سوره الرحمن (و من دونهما جنتان) چنین می‌فرماید که منظور از این آیه آن است که پائین‌تر از آن دو بهشت [که در آیه (و لمن خاف

۱. مریم/۶۱.

۲. توبه/۷۲.

۳. رعد/۲۳.

۴. طه/۷۶.

۵. بینه/۸.

۶. مؤمنون/۹۱.

۷. در برخی روایات دیگر آمده است که جنۀ عدن همان باغی است که پیامبر ﷺ و دوستان ارکان علی بن ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَام در آن مستقر خواهند شد (رک: ابن بابویه، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۶).

مقام ربه جنتان) ذکر شده]، دو بهشت دیگری وجود دارند که به لحاظ فضیلت و خوبی در رتبه پایین تری قرار دارند و آن دو بهشت، جنه النعیم و جنه المأوی نام دارند (رک: مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۰).

۲. بلال از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمود در بهشت، بهشت مأوی قرار دارد و در وسط آن، بهشت دیگری وجود دارد که بهشت عدن است (رک: ابن بابویه، ۱۴۲۹ ق، ص ۱۰۲).

۳. در روایت دیگری، عبادۀ بن صامت از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: فردوس بالاترین درجه بهشت است که نه‌های چهارگانه بهشت از آنجا می‌جوشد، پس هر وقت خواستید از خدا درخواستی کنید فردوس را بخواهید (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۶۹).

۴. و نیز از رسول خدا ﷺ آمده است که فردوس به صورت کوهی است که بر فراز بهشت بالا رفته و بر بالای آن عرش پروردگار است (رک: دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۲۳۵).

بنابراین از مجموع این روایات می‌توان چنین نتیجه گرفت که نقطه مرکزی و بلند بهشت، فردوس است که بالاتراز عدن قرار گرفته و عدن خود بالاتراز مأوی و نعیم است.

بر اساس محتوای برخی روایات، بهشت‌های خداوند منحصر به این چهار بهشت نمی‌شود بلکه خرده بهشت‌های دیگری نیز وجود دارند که در میان این چهار بهشت قرار دارند (رک: کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۱۰۰)؛ بنابراین، اگر در روایات بر این چهار بهشت تاکید شده تنها به جهت آن است که کلان‌تر از دیگر بهشت‌ها هستند. شناخت زندگی بهشتی

از آنجا که معماری ظرفی برای زندگی انسان به حساب می‌آید ابتدا باید با نحوه زندگی انسان در بهشت آشنا گردید تا سپس بتوان به شناخت معماری آن دست یافت. به منظور درک صحیح از زندگی انسان در بهشت چاره‌ای جز این نیست که خواست‌ها و نیازهای وی را در آنجا شناخت. با تکیه بر معاد جسمانی - روحانی که از آیات قرآن کریم^۱ استفاده می‌گردد چنین بدست می‌آید که نیازهای انسان در بهشت نیز جسمانی، روانی و روحی خواهد بود. نیازهای جسمانی به اموری چون ابعاد و اندازه‌های انسان، نحوه حرکت و راحتی فیزیولوژیکی وی اطلاق می‌گردد و مقصود از نیازهای روانی، نیاز انسان به تعاملات اجتماعی و معاشرت،

تفریح، لذت و شادی و مانند آن است. نیازهای روحی شامل توجه به معنویت، متصل شدن به حقیقت و انس با خداست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶). زیبایی و تناسب از جمله اموری هستند که در زمره‌ی خواست‌های انسان قرار می‌گیرند.

اما برای ساخت هر بنایی نه تنها باید به خواست‌ها و نیازهای سفارش‌دهنده توجه داشت بلکه می‌بایست ظرفیت‌های محیطی را نیز مورد لحاظ قرار داد که خود شامل این موارد می‌گردد:

۱. بررسی عوامل جغرافیایی و محیطی: شامل مختصات جغرافیایی، دوری و نزدیکی نسبت به آب، نوع مصالح در دسترس و گونه‌های گیاهی موجود.
۲. بررسی شرایط اقلیمی: یعنی شرایط آب و هوایی و اقلیمی منطقه مورد نظر.
۳. بررسی زمین و همجواری که شامل امکانات دسترسی به زمین، دید و منظره مناسب و جنس خاک می‌شود (همان).

بررسی خواست‌ها و نیازهای انسان در بهشت

می‌توان بر اساس آیات و روایات به ترسیم خواست‌ها و نیازهای انسان بهشتی دست زد و سپس مبتنی بر آن ویژگی‌های بناهای بهشتی را کشف کرد که در ذیل به آن خواهیم پرداخت:

۱. نیازهای جسمانی

بر مبنای نظریه‌ی معاد جسمانی - روحانی، برخی نیازهای جسمانی انسان در بهشت که به بحث معماری مربوط می‌شود، عبارت‌اند از:

الف. ابعاد و اندازه‌های انسان:

از حضرت امیرالمومنین علیه السلام روایت شده است که در روز قیامت هنگامی که مؤمن از قبر خود بیرون می‌آید، او را در جانب راست عرش نگه می‌دارند. در این هنگام ندای مرحبا از جانب حق تعالی به او می‌رسد و رویش سفید و نورانی، دلش شاد و خرم و طول قامتش مانند قامت حضرت آدم علیه السلام هفتاد ذراع^۱ می‌گردد (رک: مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۰). بر اساس مضمون برخی دیگر روایات که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است، چنین استفاده می‌گردد که حوری

۱. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که طول قامت اهل بهشت شصت ذراع می‌گردد (رک: مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۰).

نیز هفتاد ذراع قامت دارد و فاصله میانه دو شانه‌هایش ده ذراع است (رک: کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۹۹).

با توجه به این قد و قامت، در رابطه با اندازه درب‌های ورودی بهشت باید گفت که مطابق مضمون روایات، عرض آن‌ها به قدر چهل سال است (رک: مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۲). در روایت دیگری فاصله‌ی میان خود هر یک از این درب‌های هشت‌گانه به اندازه دویزد یک سالِ اسبِ خوش راه گفته شده و اندازه‌ی طول دیواری که این درب‌ها بر روی آن تعبیه شده‌اند به مقدار پانصد سال راه است (رک: همان، ص ۱۶۱).

البته درب‌های بهشت هر کدام با رمز ویژه‌ای باز و بسته می‌شوند و جملات زیبا و حکیمانه‌ای به عنوان کتیبه بر روی آن‌ها نقش بسته است که پیشوایان دین در احادیثی از این رمز و راز پرده‌برداری کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ب، ج ۵، ص ۲۹۰). به عنوان نمونه، در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دو هزار سال پیش از آن‌که خدا آسمان‌ها و زمین را بیافریند، بر درب بهشت نوشته شده بود: «لا اله الا الله، محمدرسول الله، علی اخورسول الله» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۳۸). از روایت دیگری که به تفصیل در کتاب بحار الانوار آمده، روشن می‌گردد که بر تمام هشت درب بهشت این جمله «لا اله الا الله، محمدرسول الله، علی اخو رسول الله»، به همراه مطالب جزئی دیگری نقش بسته شده است (رک: مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۴۴)؛ بنابراین در معماری بهشت از کتیبه‌هایی با محتوایی مبتنی بر سه اصل توحید، نبوت و ولایت استفاده شده است.

ب. خوردن و آشامیدن

از زید بن ارقم روایت شده که مردی از اهل کتاب نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا ابا القاسم! به نظر شما اهل بهشت می‌خورند و می‌آشامند؟ حضرت فرمود: سوگند به کسی که جانم در دست اوست یک نفر بهشتی در خوردن، آشامیدن و آمیزش دارای نیروی چهل نفر است، آن مرد پرسید: کسی که می‌خورد و می‌آشامد نیاز به قضا حاجت دارد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به صورت عرق که بویی مانند مشک دارد از بدنش دفع می‌شود و وقتی چنین شد شکمش سبک می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۵۰).

نکته‌ای که می‌توان در بحث از معماری بهشت از این روایت استخراج کرد این است که چون انسان بهشتی به قضای حاجت نیازی ندارد قهرا در بناهای بهشت نیز فضایی برای این کار اختصاص نخواهد یافت.

ج. ازدواج

آیه‌های ۵۴ سوره دخان (و کذلک زوجنهم بحور عین) و ۲۰ سوره طور (متکئین علی سرر مصفوفه و زوجناهم بحور عین)، بر ازدواج بهشتیان با حورالعین دلالت دارند. البته مفسرین درباره‌ی معنای «ازدواج» در این آیات اختلاف نظر دارند بدین معنی که برخی ازدواج را بر معنای مصطلح آن حمل می‌کنند (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۲۱۱) و برخی دیگر آن را بر معنای لغوی آن حمل نموده و بر این باورند که مقصود از تزویج اهل بهشت با حوریان این است که آن‌ها قرین یکدیگرند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ج ۱۸، ص ۱۴۹). در هر صورت، خواه ازدواج به معنای لغوی باشد و یا اصطلاحی، از ظاهر اخبار چنین بدست می‌آید که در بهشت مسأله آمیزش وجود دارد همان‌چنان که در روایت زید بن ارقم به آن تصریح شده بود. حال، وقتی در بهشت مسأله آمیزش مطرح شد در بناهای آن مسأله‌ی «محرمیت» موضوعیت خواهد یافت. مقصود از محرمیت، مصون بودن فضای داخلی بنا از دید دیگران است به گونه‌ای که مورد اشراف کسی واقع نگردد (رک: فاتح و داریوش، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲). در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است که هنگامی که انسان بهشتی در بهشت مستقر می‌شود، خداوند هزار فرشته را به سوی او می‌فرستد تا آمدن وی را به بهشت تبریک گویند. هنگامی که این فرشتگان به نخستین درب بستان‌های او می‌رسند به فرشته‌ی دربان می‌گویند که از ولی خدا برای ما اجازه بگیر، زیرا خدا ما را فرستاده تا به او تهنیت گوئیم. فرشته به ایشان می‌گوید: اجازه دهید تا من به دربان بگویم و او را از آمدن شما آگاه گرداند. آن فرشته نزد دربان می‌رود در حالی که میان آن‌ها سه باغ بهشتی فاصله است. وقتی وی به درب اولین باغ می‌رسد، به دربان می‌گوید: بر در باغ هزار فرشته هستند که خداوند جهانیان ایشان را فرستاده تا به ولی خدا تبریک گویند و از من خواسته‌اند تا برای ایشان اجازه بگیرم. دربان به آن فرشته می‌گوید: برای من سخت است که از ولی خدا برای کسی اجازه گیرم زیرا با همسر حوری خود خلوت کرده است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: میان

این دربان و دوست خدا دوستان فاصله است. سپس دربان نزد کارگزار ولی خدا می رود و به او می گوید: بر در باغ هزار فرشته اند که خداوند آن ها را برای تبریک به ولی خدا فرستاده پس برای ایشان اجازه شرفیابی بگیر. کارگزار نزد خدمت کاران مخصوص می رود و به آن ها می گوید هزار فرشته که فرستادگان خداوند جبارند بر در باغ انتظار می کشند تا به ولی خدا خجسته باد گویند، پس حضور آن ها را به آگاهی او برسانید. پیامبر ﷺ می فرماید: حضور آن ها را به آگاهی او می رسانند و او به فرشتگان اذن ورود می دهد و بدین ترتیب آن ها بر ولی خدا وارد می شوند در حالی که او در غرفه خود است و این غرفه هزار در دارد که بر هر یک از این درها فرشته ای گمارده شده است و ناگاه به فرشته ها اجازه ورود داده می شود که نزد ولی خدا روند و هر فرشته ای دری را که به آن گمارده شده بگشاید^۱ (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۹۸). از این روایت می توان مسأله ی محرمیت را به خوبی استفاده کرد.

همچنین، بر اساس آیه ۷۲ سوره الرحمن (حور مقصورات فی الخیام)، خداوند متعال بنای مخصوصی برای حورالعین در بهشت در نظر گرفته که «خیام» نام دارد و هدف از ساخت این بنا آن است که این زنان از دستبرد اجانب محفوظ بمانند و کسی غیر از شوهرانشان آن ها را تماشا نکنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۱۱۱). البته طبق گفته ی علمای لغت و برخی مفسرین، خیمه فقط به معنی آن خیمه های پارچه ای که نزد ما معروف است نمی باشد، بلکه به خانه های چوبی و یا حتی هر خانه مدوری کلمه خیمه اطلاق می شود. گاه چنین گفته شده که خیمه به معنای هر خانه ای است که از سنگ و مانند آن ساخته نشده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۱۸۳ - ۱۸۴) و شاید مقصود از آن در این آیه همین معنی باشد چه این که در روایتی امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (حور مقصورات فی الخیام) می فرمایند که مقصود حوریه هایی است که پیوسته در پرده به سر برده اند و در میان خیمه هایی هستند از درز و یاقوت و مرجان (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۱۵۶). از برخی روایات می توان دیگر ویژگی های این بنا را استفاده کرد نظیر این که خیمه دارای چهار درب بوده (رک: همان)، طول آن شصت

۱. با توجه به توضیحاتی که در متن مقاله داده شد معلوم می گردد که دیگر جایی برای طرح این پرسش باقی نخواهد ماند که با توجه به این که انسان بهشتی نیازی به تولید نسل ندارد چرا مسئله حوری در آنجا مطرح است زیرا این لذت جسمانی مقتضای نیاز جسمانی اوست چه این که انسان در آن موطن نیز مرکب از جسم و روح است.

میل است و در هر گوشه‌ای از آن زنی برای مؤمن است که دیگران او را نمی‌بینند (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۲۰).

۲. نیازهای روانی

بر اساس مضامین آیات قرآن کریم بین بهشتیان دروغ^۱، دشمنی و حسد^۲ و سخن لغو و بیهوده^۳ وجود نداشته و زندگی خود را با سرور و شادمانی به سر می‌برند. در آیه ۵۵ سوره یس (إن أصحاب الجنة اليوم في شغل فاكهون) به صراحت از این سرور و شادمانی سخن به میان آمده است. در این مبارکه، واژه‌ی «شغل» به معنی حوادث و حالاتی است که بر انسان رخ می‌دهد و او را به خود مشغول می‌دارد به گونه‌ای که او را از دیگر کارها باز می‌دارد و کلمه «فاکهن» که در ادامه‌ی آیه آمده، به معنی مسرور، خوشحال و خندان می‌باشد. از همین واژه می‌توان دریافت که اهل بهشت به طوری غرق در سرور و نشاط خواهند بود که غم و اندوهی بر آن‌ها چیره نشده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۱۶) و در نتیجه از یک نوع آرامش خاصی بهره‌مندند. آرامش کیفیت مهمی است که توجه به آن از ضروریات بنیادین مسکن مطلوب محسوب می‌گردد به طوری که فراهم آمدن امکان گفتگوهای خانوادگی به وجود آرامش بستگی تام دارد. علاوه بر آن، برای انجام دادن بسیاری از فعالیت‌های فردی و جمعی دیگر از جمله استراحت و تماس‌های رودررو با اقوام و دوستان، وجود محیطی آرام ضرورت دارد. ایجاد محیطی آرام در مسکن نیز به عواملی چون مکان‌یابی مسکن نسبت به سایر کارکردها، مصالح مصرفی و سلسله مراتب درون و برون وابسته است (فاتح و داریوش، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳).

از آیه‌ی فوق معلوم گردید که در بهشت آرامش وجود دارد و از دیگر آیات چنین به دست می‌آید که در آنجا فضاهای باز برای گفتگوهای خانوادگی و تماس با دوستان در نظر گرفته شده است. به عنوان نمونه، از آیه ۵۶ سوره یس (هم وأزواجهم في ظلل علی الأرائک متكئون) چنین به دست می‌آید که اهل بهشت و همسرانشان در سایه‌ها یا در زیر سایبان‌هایی قرار دارند

۱. نبأ/۳۱.

۲. اعراف/۴۳.

۳. مریم/۶۲.

که از آفتاب و یا هر حرارت دیگری مصون بوده و در عین حال بر تکیه‌گاه‌هایی همچون پستی تکیه کرده‌اند (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۷، ص ۱۰۱). نفس تعبیر به «متکین» در این آیه و دیگر آیات مشابه با آن خود نشانگر نهایت آرامش آن‌ها است چرا که معمولا انسان‌هایی که در حال آرامش‌اند تکیه می‌کنند و افراد نگران و ناآرام معمولا چنین نیستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۴۲۸). همچنین از آیه ۴۴ سوره صافات (علی سرر متقابلین) معلوم می‌گردد که در بهشت مجالس انسی وجود دارد که در آن، بندگان مخلص خدا بر روی تخت‌هایی قرار می‌گیرند که این تخت‌ها به صورت رودرو چیده شده تا بهشتیان در مقابل یکدیگر بنشینند و به یکدیگر نظر کنند. در آیه ۱۳ سوره غاشیه (فیها سرر مرفوعه) این تخت‌ها به بلند بودن نیز توصیف شده‌اند که علت آن این است که بهشتیان بر تمام مناظر و صحنه‌های اطراف خود مسلط باشند و از مشاهده آن لذت برند (همان، ج ۲۶، ص ۴۲۳).

مؤید مطالب فوق، مضمون روایتی است که از پیامبر اکرم ﷺ رسیده مبنی بر این‌که اهل بهشت با دوستان خویش خلوت می‌کنند و همدیگر را می‌بینند و در باغ‌های خود در زیر سایه‌هائی کشیده [که هوای آن] مانند هوای ما بین زدن سپیده دم تا زدن خورشید [یعنی بین الطلوعین است] متنعم‌اند. در ادامه‌ی همین روایت آمده است که مؤمن ساعتی را با همسر حوری خود، ساعتی را با همسر آدمی و ساعتی را نیز با خویش خلوت می‌کند در حالی که بر تکیه‌گاه‌های خود تکیه داده و برخی از مؤمنین به یکدیگر نگاه می‌کنند (رک: کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۹۹).

۳. نیازهای روحی

در آیه ۷۲ سوره توبه، پس از برشمردن مواهب و پاداش‌های مادی بهشتیان، آن رضایت خداوند که نصیب بهشتیان می‌گردد از همه چیز برتر و بزرگ‌تر شمرده شده است زیرا اگر در بهشت، رضوان الهی نباشد همان بهشت تبدیل به عذاب خواهد شد. در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است که وقتی اهل بهشت در آن قرار گیرند و ولی خدا در باغ‌ها و خانه‌های خود وارد گردد و هر مؤمنی بر تکیه‌گاه خود تکیه نماید، خادم‌ها او را احاطه می‌کنند، میوه‌ها برای او آویزان می‌شود و چشمه‌ها در اطرافش روان و جویبارها در زیر او جاری می‌گردد و فرش‌ها

برای او پهن و بالش بر روی آن گذارده شده و خادم‌ها هر چه او بخواهد قبل از درخواستش می‌آورند و حور العین بر او وارد می‌شود؛ پس به مدتی که خدا بخواهد آن‌ها در آنجا می‌مانند. سپس خداوند جبار بر آنان اشراف می‌یابد و می‌فرماید: دوستان من و اهل طاعت من و ساکنان بهشت من در جوار من، آیا خبر ندهم شما را به بهشتی بهتر از بهشتی که شما در آن هستید؟ عرض کنند: پروردگارا، کدام بهشت بهتر از بهشتی است که ما در آن هستیم و حال آن‌که ما هر نعمتی بخواهیم و از آن لذت ببریم در جوار پروردگار کریم برخورداریم؟ امام سجاد فرمود: دوباره همین سخن از ایشان پرسیده می‌شود و بهشتیان عرض می‌کنند بله پروردگارا، به ما بهشتی بهتر از این بهشتی که در آن هستیم بده. حق تبارک و تعالی به آن‌ها می‌فرماید: رضای من از شما و محبت من به شما بهتر و عظیم‌تر است از آنچه در آن هستید. آن‌ها عرض کنند: بلی، ای پروردگار ما، رضا و محبت تو برای ما بهتر و نسبت به نفوس ما دلخواه‌تر است. بعد حضرت این آیه تلاوت فرمود «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» الایه (رک: بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ۲، ص ۸۱۵).

بر اساس مضمون روایت دیگری که از امام علی علیه السلام رسیده است، وقتی که مؤمنین در بهشت مستقر شوند صدایی از زیر عرش اعلا بشنوند که ای اهل بهشت محل بازگشت خود را چگونه می‌بینید؟ گویند پروردگارا محل بازگشت ما نیکو محل بازگشتی است و ثواب ما بهترین ثواب‌هاست ولی ما را وعده وصال و رضا و خشنودی خود داده بودی و تو خلف وعده نمی‌نمایی. پس حق تعالی به هفتاد هزار فرشته دربان امر نماید که ناقه‌ها و اسب‌ها را برای دوستان خدا حاضر کنند. مؤمنان با جامه و تزیینات بسیار بر آن ناقه‌ها و اسب‌ها سوار شوند و در سایه درختان سیر کنند تا به دارالسلام برسند که قرارگاه رضا و خشنودی حق تعالی است و خانه نور و بها و دار سرور و کرامت بی‌انتهاست. سپس سخن جناب اقدس اعلا را می‌شنوند و انوار جلال و عظمت برایشان جلوه می‌نماید بی آن‌که خداوند در مکانی باشد که دیده شود. پس از مشاهده انوار عظمت پروردگار بی‌اختیار به سجده می‌افتند و می‌گویند: ای خدای بزرگوار، تو را منزه از آن می‌دانیم که عبادت ما لایق درگاه تو باشد. سپس خطاب رسد که: ای بندگان من سراز سجود بردارید که این خانه عمل نیست این خانه کرامت و نعمت و لذت است... پس شمیمی در نهایت سردی و خوش‌بویی از زیر عرش الهی ساطع گردد که آن را مثیره می‌نامند و چون به آن معطر گردند، به ایشان ندا رسد که به سوی زنان خود برگردید. آن‌ها گویند پروردگارا

وعده‌ای [دیگر] برای ادراک این درجه‌ی رفیعه مقرر فرما. ندا رسد که در هر جمعه شما را به این کرامت سرفراز می‌گردانم (رک: مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۶ - ۱۵۷).

از این روایت معلوم می‌گردد که در بهشت عبادت وجود ندارد و نیاز روحی اهل بهشت رضایت و خشنودی حق متعال است که برای آن محل ویژه‌ای بنام دارالسلام در نظر گرفته شده است.

۴. خواست‌ها: زیبایی و تناسب

می‌توان از ظاهر آیه ۷۱ سوره زخرف (یطاف علیهم بصحاف من ذهب و اکواب و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذ الاعین) زیبایی بناهای بهشتی را استفاده نمود. براساس معنای این آیه، در بهشت ظرف‌ها و جام‌های طلائی را در گرداگرد بهشتیان می‌گردانند و در آنجا آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد موجود است. علامه طباطبایی در ذیل این آیه شریفه چنین استظهار نموده است که مراد از وجود (ما تشتهیه الأنفس) در بهشت، اموری است که به شهوت طبیعی مربوط می‌شود همانند چشیدنی‌ها، بوئیدنی‌ها و دیگر اموری که انسان و حیوان در آن مشترک‌اند و مراد از (تلذ الاعین)، وجود زیبایی و زینت در بهشت است و از این تعبیر، اموری که تقریباً مختص به انسان است اراده شده است همچون مناظر بهجت آور، چهره‌های زیبا و لباس‌های فاخر (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۱۲۲). بنابراین دیدگاه، اطلاق تعبیر (تلذ الاعین) می‌تواند شامل زیبایی بناهای بهشتی نیز گردد به طوری که چشم از دیدن آن‌ها لذت برد.

براساس محتوای روایتی که از امام علی علیه السلام رسیده است، هنگامی که مؤمن به قصر اول از قصرهای خود می‌رسد که از نقره است و لنگرهای آن از مروارید و یاقوت است صدای حوریان را از آن قصر می‌شنود که به او خوش آمد می‌گویند و چون اراده می‌کند که در آن قصر نزول نماید فرشته‌ها به او می‌گویند که ای ولی خدا سیر نما که به غیر از این قصر، قصرهای دیگری نیز برای تو مهیا کرده‌اند. پس از آن قصر بگذرد و سیر نماید تا به قصر دیگری برسد که از طلا بوده و به مروارید مکلل و مزین است، سپس صدای آواز زنان از غرفه‌ها جلوه‌گر شود و او را مرحبا گویند ... پس بگذرد تا به قصری رسد که اصلش از یاقوت سرخ بوده و به مروارید و الوان یاقوت مکلل

کرده باشند و چون اراده نزول نماید ملائکه او را از آن قصر عبور دهند تا به هزار قصر بگذرد که از صفا و لطافت، اندرون آن‌ها از بیرون نمایان باشد و بر تمام قصرها به یک چشم زدن عبور کند. هنگامی که وی به آخر قصرها رسد سربه زیر می‌افکند. [در این هنگام] ملائکه از او می‌پرسند: «تورا چه شد؟ مؤمن گوید به خدا سوگند [از وفور انوار حور و قصور] نزدیک است که در دیده‌ام نقصی عارض شود. ملائکه گویند ای ولی خدا شاد باش که در بهشت کوری و کری نمی‌باشد (رک: مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۲ - ۱۵۳).

علاوه بر این آیه و روایت، می‌توان از نوع مصالح به کار رفته در بهشت، رنگ‌های آن‌ها و نحوه چینش آن‌ها زیبایی و تناسب را استفاده نمود.

▲ بررسی ظرفیت‌ها محیطی بهشت

چنان‌که قبلاً گذشت معماری مبتنی بر دو عنصر خواست‌ها و نیازها از یک سو و امکانات و استعدادها محیطی از دیگر سوست. در ادامه‌ی نوشتار، بحث ظرفیت‌های محیطی بهشت مورد کنکاش واقع می‌گردد:

۱. بررسی عوامل جغرافیایی و محیطی

در ساخت هر بنایی می‌بایست شرایط جغرافیایی و محیطی آن را در نظر گرفت. از برخی آیات و روایات می‌توان این شرایط را در مورد بهشت بازسازی کرد که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

الف) مختصات جغرافیایی بهشت

در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران آمده است (و سارعوا إلى مغفرة من ربكم و الجنة عرضها السماوات والأرض أعدت للمتقين)؛ برای «عَرْض» در این آیه چند معنی مطرح است: اول: عرض در برابر «طول»؛ یعنی عرض بهشت به اندازه مساحت آسمان‌ها و زمین است. در این صورت، علت اینکه عرض بهشت در آیه فوق ذکر شده نه طول آن، این است که طول

۱. در این بخش از ذکر دیگر روایات مربوط به زیبایی مصالح و مانند آن اجتناب می‌گردد تا تکرار بیش نیاید چه این‌که ادامه‌ی مقاله به این روایات اشاره خواهد داشت.

از عرض بزرگ تراست و وقتی بزرگی عرض معلوم گردید بزرگی طول به طریق اولی معلوم خواهد شد.

دوم: عرض به معنای «قیمت»؛ یعنی اگر به فرض بهشت به فروش گذاشته شود قیمت و ارزش آن به اندازه ارزش همه آسمان‌ها و زمین است همان‌طور که هرگاه عرب گوید: «عرضت هذا المتاع للبیع» معنای آن این است که این متاع را برای فروش عرضه کردم. بنابراین معنای آیه این خواهد بود که عظمت قدر و جلال بهشت به گونه‌ای است که هیچ چیز - هرچند بزرگ باشد - نمی‌تواند در برابر آن قرار گیرد. این معنای لطیفی برای آیه‌ی شریفه است جزاینکه در آن تعسف و دشواری است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۳۶).

سوم: مساحت: یعنی مساحت بهشت به اندازه مساحت آسمان‌ها و زمین است. این معنی قریب یا متعین است زیرا آنان که به صدر اسلام نزدیک‌تر بوده‌اند، از آیه‌ی مزبور وسعت و فسحت را فهمیده‌اند (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵، الف، ج ۱۵، ص ۵۴۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۹). بنابراین عرض در این آیه در معنای لغوی‌اش به کار رفته است نه اصطلاحی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۹۱). در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است که مساحت کمترین منزل‌های اهل بهشت به اندازه میان جابیه [دهکده‌ای از اطراف دمشق] و صنعاء است (رک: فتال نیشابوری، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۵۰۵).

ب) دوری و نزدیکی نسبت به سطح آب

در قرآن کریم از دو واژه برای بیان آب‌های بهشتی استفاده شده است: یکی «عین» به معنای چشمه و دیگری «نهر» که به معنای آبی است که از جدول بزرگ‌تر و از بحر کوچک‌تر است (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵، الف، ج ۲، ص ۴۶۹). از آنجاکه سرسبزی و خرمی هر باغی درگرو داشتن آب مناسب و روان بودن آب در لابه‌لای درختان آن است، در بسیاری از آیات قرآن کریم از این دو ویژگی به عنوان مزایای بهشت سخن به میان آمده است (همان، ص ۴۹۰-۴۹۱). البته مایعاتی که در انهار بهشت روان است، چه به لحاظ ذات و چه به لحاظ کیفیت، متفاوت از مایعات نهرهای دنیا است زیرا در نهرهای دنیا غیر از آب چیز دیگری جاری نیست و بعد از مدتی این آب بومی‌گیرد ولی مایعات نهر بهشت از این دو جهت امتیاز خاص دارند

چنان‌که در آیه ۱۵ سوره محمد آمده است (مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير آسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه وانهار من خمر لذة للشاربين وانهار من عسل مصفى^۱) (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ب، ج ۵، ص ۲۹۸).

اما در رابطه با موقعیت بناهای بهشتی نسبت به آب، علامه طباطبایی از آیه ۴۳ سوره اعراف (تجری من تحتهم الأنهار) چنین استفاده می‌کند که ساکنان بهشت در قصرهای عالی به سر می‌برند و نهرها در زیر ساختمان آن‌ها در حال عبور است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۱۶)؛ چراکه در این آیه خداوند نمی‌فرماید که در زیر درختان آب جریان دارد بلکه می‌فرماید که در زیر بهشتیان آب جاری است که این خود نشانگر آن است که قصرهای بهشتیان بر روی آب قرار دارد که منظره‌ی زیبایی راقم می‌زند. گواه برای این سخن، روایت حسین بن اعین است که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: معنای این‌که شخصی به دیگری می‌گوید جَزَاكَ اللهُ خَيْرًا، چیست؟ امام علیه السلام فرمود: خیر نام نهری است در بهشت که سرچشمه‌اش کوثر است، و کوثر از ساق عرش سرچشمه می‌گیرد، و بر روی آن نهرخانه‌های اوصیا و شیعیان نشان بنا شده، و در دو طرف این نهر دخترکانی درمی‌آیند که هرگاه یکی از آن‌ها از جای برکنده شود دیگری به جای او می‌روید، و نامشان به نام آن نهر [خیر] نامیده شده، و مفهوم آیه شریفه: (فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ) همین است و هنگامی که کسی به دوستش گوید «جزاک الله خیرا» مقصودش از آن همان منزلی است که خداوند برای برگزیدگان و برترین خلایقش فراهم کرده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۲۳۰-۲۳۱).

ج) نوع مصالح در دسترس

هر بنایی برای ساخت به مواد و مصالحی نیاز دارد. بناهای بهشتی نیز از این قانون مستثنا نمی‌باشند. در زیر و با تکیه بر روایات، به برخی از انواع مواد و مصالح به کار گرفته شده در ساخت بناهای بهشتی اشاره خواهیم داشت:

۱.۱. ترجمه: نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده و نهرهایی که از شیراست و طعم آن دگرگون نشده و نهرهایی از شراب ظهور که مایه لذت نوشندگان است و نهرهایی از عسل مصفی.

- طلا، نقره و مشک

پیامبر ﷺ فرمود: بهشت، یک خشتش از طلاست و خشتی از نقره و خشتی دیگر از یاقوت، و ملاطش مشک تیزبوی است و کنگره‌هایش یاقوت سرخ و سبز و زرد است (ابن بابویه، ۱۴۲۹ق، ص ۱۰۱).

- یاقوت، زبرجد و مروارید

از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمود: برای کم‌ترین منزل اهل بهشت هشتاد هزار خادم، و نود و دو درجه است، و برای آنان گنبدی از مروارید و یاقوت و زبرجد زده می‌شود (فتال نیشابوری، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۵۰۵).

در روایت دیگری حضرت علی رضی الله عنه از پیامبر ﷺ می‌پرسد که غرفه‌های بهشتی با چه چیز بنا می‌شوند؟ پیامبر در جواب می‌فرماید: یا علی، حق تعالی این غرفه‌ها را برای دوستانش به مروارید، یاقوت و زبرجد بنا کرده است و سقف‌های آن‌ها از طلا و با نقره محکم شده است. برای هر غرفه‌ای از این غرفه‌ها هزار درب از طلاست^۱ (رک: بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۷۰۴). از روایت‌های فوق معلوم می‌گردد که در بناهای بهشتی از فرم‌های کنگره‌ای و گنبدی شکل استفاده می‌گردد.

(د) گونه‌های گیاهی موجود

- امام باقر رضی الله عنه فرمود: زمین بهشت مرم‌هایش نقره است و خاکش ورس و زعفران و خاکروب‌اش مشک و سنگ‌ریزه‌هایش مروارید و یاقوت است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۶۴). از این حدیث معلوم می‌گردد که زعفران و ورس از گیاهان موجود در بهشت‌اند. منظور از ورس علف و گیاهی است که همچون زعفران خوشبوست (رک: مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۱) و همچون کنجد به رنگ زرد بوده و در یمن می‌روید. برخی معتقدند که ورس نوعی زردچوبه است و برخی دیگر آن را مانند زردچوبه دانسته‌اند (یوسف موسی و صعیدی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹۰).

۱. از این روایات نیز می‌توان زیبایی و تناسب را استفاده کرد همچنان که قبلاً و در انتهای بحث از «خواست‌ها» سخن به میان آمد و وعده ذکر آن‌ها داده شد.

- از آیه ۶۸ سوره الرحمن (فیهما فاکهة ونخل ورمآن) معلوم می‌شود که در بهشت درختان میوه به ویژه درختان خرما و انار وجود دارد. اما پرسشی که ممکن است در اینجا پیش آید این است که در این آیه از میوه، خرما و انار سخن گفته شده است و وجود این موارد در بهشت ملازم با وجود درخت آن‌ها نیست؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که به قرینه واژه «نخل» که بین فاکهه و رمان قرار گرفته - و مقصود از آن درخت خرماست - درمی‌یابیم که مراد از «فاکهه» و «رمان» نیز درخت آن دو است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۱۱). بنابراین در بهشت درختان میوه، خرما و انار وجود دارد. البته باید توجه داشت که درختان میوه در بهشت منحصر به این دو درخت نمی‌شود چه این‌که از آیه ۳۲ و ۳۳ واقعه (وفاکهة كثيرة* لا مقطوعة ولا ممنوعة) روشن می‌گردد که در بهشت درختان میوه فراوانی است که از جمله خصایص آن‌ها این است که میوه‌هایش به صورت فصلی نیست که مثلاً در زمستان وجود داشته باشد و در تابستان قطع شود و همچنین ممنوعیتی در خوردن میوه‌ها وجود ندارد نه از جانب خود بهشتیان، که مثلاً از آن سیر و خسته شده باشند، و نه از جانب بیرون از آن‌ها مثل خار که مانع از چیدن می‌شود (همان، ص ۱۲۳). گفتنی است که در برخی از آیات قرآن به نمونه‌های دیگری از درختان نظیر انگور، موز و گنار بی‌خار^۱ نیز اشاره شده است و بر اساس محتوای برخی روایات، در بهشت عدن درخت مخصوصی بنام طوبی است که به دست حق متعال کاشته شده است (مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۶۷).

۲. بررسی شرایط اقلیمی

بر اساس آیه ۱۳ سوره انسان (متکینن فیها علی الأرائک لایرون فیها شمساً ولا زمهریراً) هنگامی که بهشتیان بر تخت‌های خود تکیه زده‌اند نه آفتابی می‌بینند و نه سرمایی که این خود نشانگر هوای معتدل بهشت است. البته مفسرین از این آیه برداشت‌های متفاوتی کرده‌اند. برخی بر این باورند که از این آیه چنین بر نمی‌آید که خورشید و ماه در بهشت وجود ندارد بلکه مقصود

۱. نبأ/۳۲.

۲. علامه طباطبایی آیه ۲۹ سوره واقعه (وطلح منضود) را به درخت موز تفسیر می‌نماید (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۲۳).

۳. واقعه/۲۸.

این است که باوجود سایه‌های درختان بهشتی تابش ناراحت‌کننده خورشید وجود ندارد (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۳۶۳) ولی برخی دیگر معتقدند که در بهشت خورشید و ماه در کار نیست زیرا بساط آن دو در قیامت برچیده می‌شود و اگر نوری هست نور ایمان مؤمن است همان‌گونه که حق متعال فرموده است (نورهم یسعى بین ایدیهم وایمانهم) (جوادی آملی، ۱۳۸۵، الف، ج ۲، ص ۴۶۸). در حدیثی از امام رضا علیه السلام نیز آمده است که خورشید و ماه دو نشانه الهی هستند که به دستور او حرکت می‌کنند و مطیع فرمان او هستند. نور آن‌ها از نور عرش اوست و حرارت آن‌ها از جهنم است هنگامی که روز قیامت به پا شود نور آن‌ها به عرش و حرارت آن‌ها به آتش [جهنم] بازخواهد گشت پس دیگر خورشید و ماه وجود نخواهد داشت (مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص ۶۰).

با توجه به این توضیحات ممکن است این پرسش به وجود آید که اگر در بهشت خورشید و ماه وجود ندارند پس چگونه در آیه ۶۲ سوره مریم (و لهم رزقهم فیها بكرة و عشیا) از رزق بهشتیان در صبح و شام سخن به میان آمده است؟ آیا در بهشت صبح و شامی وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که بر اساس روایات، گرچه در بهشت همواره نور و روشنایی هست اما بهشتیان از کم‌وزیاد شدن نور و نوسان آن شب و روز را تشخیص می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۰۷). در هر صورت، اختلاف این دو دیدگاه در نتیجه بحث تأثیری نخواهد داشت چه این‌که بر طبق هر دو قول هوای بهشت معتدل است.

در رابطه با دیگر خصوصیات اقلیمی بهشت باید گفت که از مضمون برخی روایات چنین به دست می‌آید که در بهشت بادهایی وجود دارد که البته متفاوت از بادهای دنیا بوده و هیچ مزاحمتی برای ساکنین آن در پی نخواهد داشت. به عنوان نمونه، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود در بهشت درختی هست که حق تعالی به بادهای دستور می‌دهد تا بر آن درخت بوزند و آن را به حرکت درآورند. سپس از آن نغمه‌ای به وجود می‌آید که هرگز خلایق به خوبی آن نشنیده‌اند (رک: مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۵).

۳. بررسی زمین

در بازسازی معماری بهشت می‌بایست ویژگی‌های زمین آن را نیز مطمح نظر قرارداد که در زیر به مواردی چند در این باره خواهیم پرداخت:

- امکانات دسترسی به زمین

از آنجا که بهشت پاداش ایمان و عمل صالح است و انسان‌ها در ایمان و عمل صالح دارای مراتب مختلفی هستند بنابراین امکان دسترسی به زمین بهشت به درجه وجودی شخص مؤمن بستگی خواهد داشت. این مطلب از روایت ابوبصیر نیز قابل استنباط است. وی چنین نقل می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به درستی که دو مؤمن داخل بهشت می‌شوند و یکی از آن‌ها در مکان بالاتری نسبت به دوستش قرار دارد پس می‌خواهد دوستش را ملاقات کند در این صورت چه باید بکند؟ امام فرمود: آن مؤمنی که بالاتر است برای او این اختیار وجود دارد که پایین بیاید ولی برای مؤمنی که پایین‌تر از وی قرار دارد امکان صعود وجود ندارد زیرا نمی‌تواند به آن مکان برسد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۱۸). بنابراین موانع امکان دسترسی به زمین بهشت بیشتر معنوی است تا جسمانی.

- خاک زمین

از روایت امام باقر علیه السلام، که قبلاً گذشت، معلوم گردید که زمین بهشت از مرمرهای نقره‌ای و سنگ ریزه‌هایی از جنس مروارید و یاقوت است (رک: بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۶۴).

- دید و منظره مناسب

در روایتی، عباد بن صامت از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که بهشت، صد درجه دارد و فاصله هر درجه تا درجه‌ی دیگر، به اندازه فاصله‌ی میان آسمان و زمین است. بالای آن فردوس است و جویبارهای بهشت، از آنجا سرچشمه می‌گیرند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۶۹). از این روایت مشخص می‌شود که کسانی که در مراتب بالاتر وجودی قرار داشته باشند از زمین و مکان بهتری برخوردار بوده و در نتیجه از دید و منظره بهتری بهره‌مند خواهند شد که البته

در این میان فردوس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در روایت دیگری از پیامبر ﷺ چنین رسیده است که فرمود خداوند متعال در بهشت ستونی از یاقوت سرخ آفریده که بر روی آن هفتاد هزار قصر است که در هر قصری هفتاد هزار غرفه است. خداوند عزوجل این قصرها را برای کسانی آفریده است که به خاطر خدا همدیگر را دوست می‌دارند و به خاطر وی به ملاقات یکدیگر می‌روند (مجلسی، ۱۳۷۷ق، ج ۸، ص ۱۳۲). واضح است که کسانی که خانه‌ی آن‌ها بر بلندای یک ستون از یاقوت قرار دارد از دید و منظره بهتری نسبت به دیگران برخوردارند.

البته در بهشت نه تنها موقعیت زمین دید و منظره‌ی مناسبی را برای ساکنین آن رقم خواهد زد بلکه خود برخی بناها نیز از این قابلیت برخوردار است. بر اساس آیه‌های ۵۸ و ۵۹ سوره عنکبوت، کسانی که از ایمان و عمل صالح برخوردار بوده و در راه خدا صبر پیشه کنند و بر خدا توکل نمایند از «غرفه» بهره‌مند خواهند شد. غرفه در اصل به معنای بلند کردن چیزی از پایین به بالاست که مصادیق متعددی دارد و یکی از مصادیق آن، اتاقی است که در جهت ارتفاع ساخته شده باشد. علت این‌که به چنین اتاقی غرفه می‌گویند این است که گویی از پایین برافراشته و بلند شده است. بنابراین، برای کسانی که از صفات فوق برخوردارند خانه‌های بلند مرتفعی در نظر گرفته شده است که بر اطرافش اشراف دارد. این خانه‌ها از بهترین خانه‌های بهشتی محسوب می‌گردد که نتیجه‌ی آن ایجاد امنیت و آرامش برای ساکنین آن بوده و این خود از بزرگ‌ترین اسباب زندگی رضایت‌بخش و خوشحالی دائم به شمار می‌آید (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۲۵۴-۲۵۶).

در آیه ۲۰ سوره زمر (لکن الذین اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیة تجری من تحتها الانهار و عدل الله لایخلف الله المیعاد) از غرفه‌های طبقاتی نیز سخن به میان آمده بدین صورت که برخی از غرفه‌ها بر روی برخی دیگر غرفه‌ها بنا گردیده شده‌اند. از این روی، ساکنین چنین غرفه‌هایی از دید و منظره‌ی بهتری برخوردار خواهند بود.

نتیجه

با توجه به آنچه در متن ذکر شد می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. انسان پس از مرگ نیز موجودی مرکب از جسم و روح است و پس از برپایی قیامت و قرار

گرفتن در بهشت دارای نیازهای جسمی، روحی و روانی است و بهشت به عنوان ظرفی برای زندگی به هر سه نیاز انسان پاسخ می‌دهد.

۲. معمار واقعی بناهای بهشت خود آدمی و اعمال و رفتار وی است که به شکل مواد و مصالح بهشتی درمی‌آیند و فرشتگان به منزله کارگران ساخت بنا به حساب می‌آیند.

۳. از آنجاکه انسان‌ها در رفتار و نیت متفاوت و گوناگون می‌باشند بهشت نیز متفاوت و گوناگون خواهد شد. بر اساس آیات و روایات، چهار بهشت کلان وجود دارد که بالاترین آن‌ها بهشت فردوس است و نسبت این چهار بهشت به یکدیگر به صورت سلسله مراتبی است.

۴. از روایات معلوم می‌گردد که با توجه به ابعاد و اندازه انسان در بهشت، عرض درب‌ها به قدر چهل سال است و اندازه‌ی طول دیواری که این درب‌ها بر روی آن تعبیه شده‌اند به مقدار پانصد سال راه است. مسئله محرمیت دیگر نیاز مهمی است که در معماری بهشت به آن توجه شده است و البته چون در بهشت نیازی به قضا حاجت نیست برای آن نیز محل خاصی در نظر گرفته نمی‌شود. به منظور امکان گفتگوهای خانوادگی و یا ملاقات با دوستان، فضاهای باز در بهشت فراهم گردیده و از تخت و تکیه‌گاه برای تحقق آرامش ایشان استفاده شده است و برای رفع نیاز روحی محل ویژه‌ای به نام دارالسلام در نظر گرفته شده است.

۵. نه تنها از خواست‌ها و نیازهای انسان در بهشت می‌توان به شناخت معماری بهشت دست‌یافت بلکه با تکیه بر امکانات و ظرفیت‌های محیطی بهشت نیز می‌توان برخی از ویژگی‌های معماری آن را استخراج نمود. اموری همچون مقدار مساحت بهشت که به اندازه آسمان‌ها و زمین است، و یا به‌کارگیری برترین مصالح چون طلا، نقره، یاقوت و مروارید و یا قرارگیری ساختمان‌ها بر روی آب یا بر بلندای یک ستون.

۶. از برخی روایات چنین به دست می‌آید که در ساخت بناهای بهشتی از کتیبه و فرم‌های گنبدی و کنگره‌ای شکل استفاده شده است.

۷. دو واژه‌ی «خیمه» و «غرفه» از واژگان قرآنی هستند که از نوع خاصی از بناهای بهشت پرده برداشته‌اند.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۰ق)، امالی الصدوق، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۲۹ق)، من لایحضره الفقیه، بیروت، الامیره.
۴. افندی، جعفر، (۱۳۸۹)، رساله معماریه: متنی از سده یازدهم هجری، مترجم: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، فرهنگستان هنر.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۶ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثة، تهران، بنیاد بعثت.
۶. بروکند، ماریان، (۱۳۹۱)، «باغ به منزله تصویری از بهشت: ارزیابی ربط و نسبت باغ‌های اسلامی به آیات مربوط به بهشت در قرآن»، بیناب، ترجمه محسن کریمی، شماره ۲۲، ص ۴۱-۵۲.
۸. پورداود، ابراهیم، (۱۳۵۵)، فرهنگ ایران باستان، تهران، دانشگاه تهران.
۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، الف، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، ب، تفسیر موضوعی قرآن کریم: معاد در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۱. دیلمی، حسن، (۱۴۱۲ ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، شریف رضی.
۱۲. شریف رضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۳)، نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، بوشهر، موسسه انتشاراتی موعود اسلام.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۴. طباطبایی، ملک، (۱۳۹۰)، مبانی نظری معماری، تهران، فاطمی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، محمدجواد بلاغی، تهران، ناصرخسرو.
۱۶. علم الهدی، سید مرتضی، (۱۳۶۳)، رساله المحکم و المتشابه، قم، دارالشبستری.
۱۷. فاتح، محمد و داریوش، بابک، (۱۳۹۰)، مبانی نظری معماری، تهران، علم و دانش.
۱۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۸۶ق)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، انتشارات رضی.
۱۹. کامیاب، حسین، (۱۳۸۹)، «بررسی سلسله‌مراتب بهشت‌های چهارگانه براساس قرآن و روایات»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۸، ص ۷۵ - ۹۲.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۱. مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، کنزالدقائق و بحرالفرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۲. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت - لندن - قاهره، دارالکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۳. مجلسی، محمدتقی، (۱۳۷۷ ق)، بحار الانوارالجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، مجموعه رسائل اعتقادی، تحقیق سید مهدی رجائی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۵. معین، محمد، (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
۲۶. میرممتاز، مهدی و میرممتاز، اکرم السادات و قلی پور، فاطمه، (۱۳۹۰)، «معماری بهشت و معماری باغ ایرانی» (ترجمان معمارانه باغ با الهام از آیات بهشت در قرآن کریم)، جستارهای شهرسازی، شماره ۳۵، ص ۳۰ - ۳۷.
۲۷. یوسف موسی، حسین و صعیدی، عبدالفتاح، (۱۴۰۴ ق)، الافصاح فی فقه اللغة، قم، مکتب اعلام اسلامی.

